

بررسی ارتباط و تأثیر متقابل حجاب و بهداشت روانی، با تکیه بر مفهوم لباس در قرآن کریم

رضا رئوفیان^{*۱}

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران. (نویسنده مسئول)

raz1146557@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۳/۳/۱۲]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۳/۱/۲۵]

چکیده

یکی از اصول مسلم در ارتباطات انسانی، به‌کارگیری قواعدی است که بهداشت روانی جامعه را تضمین کند و قسم عمده‌ای از تحقق بهداشت روانی رعایت اخلاق جنسی مخصوصاً رعایت حجاب است. اهمیت موضوع حجاب آنجا آشکار می‌گردد که شیطان در اولین رویارویی‌اش با انسان، تلاشی برای عریان نمودن او دارد تا وی را در موقعیت فشار روانی قرار دهد؛ لذا هدف از مقاله پیش رو که با روش مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته، تلاش برای تحقق مبانی نظری حجابی است که برخی به بهانه شعار زن، زندگی، آزادی و با هدف افزایش فشار روانی بر جامعه در پی حذف آن هستند. تکیه بر واژه لباس از آن جهت است که این واژه در بررسی‌های صورت گرفته می‌تواند بار معنایی پوشش و آرامش را در خود داشته باشد. قرآن کریم در کنار اشاره به لباس به‌عنوان نماد پوشیدگی در انسان‌ها، به نماد آرامش بخشی آن نیز توجه داده است. در بررسی معناشناسانه، لباس (پوشاک) با ریشه «سکن» - به معنای آرامش - در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرد؛ با هم‌آیی این دو بیانگر ارتباط تنگاتنگ و اثرگذارشان بر هم است. بر این اساس حجاب در سیر تحقق خود بدون ارائه دقیق الگوهای کارآمد در بهداشت روانی - که تحت عنوان سطوح پیشگیری از آن‌ها یاد می‌شود- امکان‌پذیر نیست؛ همچنین تحقق کامل بهداشت روانی در جامعه بدون در نظر گرفتن نقش کاربردی حجاب غیرممکن است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، حجاب، بهداشت روانی، مفهوم لباس، ارتباط و تأثیر متقابل.

۱- مقدمه

با توجه به پیچیدگی‌های متعدد زندگی امروزی و تغییرات سریع در سبک زندگی انسان‌ها، صنعتی شدن و از همه مهم‌تر احاطه و استیلای فرهنگ‌های بیگانه در ایجاد پدیده برهنگی و وجود عوامل متعدد دیگر، همه افراد کمابیش در معرض بیماری‌های روانی قرار دارند. ضرورت تحقق آرامش روانی امروزه کم از ضرورت بهداشت جسمی نیست. بهداشت روانی به معنای توانایی کامل برای ایفای نقش‌های روانی و جسمی و سازگاری با دیدگاه‌های دیگران و رویارویی با مشکلات روزمره زندگی و حل آن مسائل با اتخاذ روش‌های صحیح است؛ همچنین به معنای پیشگیری از ابتلا به اختلالات روانی و درمان مناسب بیماری‌ها و حتی بازتوانی بیماری‌های مزمن است (طهماسبی‌پور، ۱۳۹۵). لذا هدف اصلی در بهداشت روان، پیشگیری از وقوع ناراحتی‌ها، اختلالات و بیماری‌های روانی در سطح جامعه است. یکی از راهکارهایی که دارای پشتوانه قوی نظری و عملی بوده و دین، علم و تجربه آن را تأیید نموده‌اند، نهادینه نمودن فرهنگ عفاف و حجاب در سطح روابط انسانی و ایجاد و توسعه آن است. حجاب می‌تواند از زیاده‌خواهی‌های غریزه جنسی که خود آغازگر اختلالات روانی است جلوگیری کند و جامعه را برای تحقق اهداف متعالی و سعادت حقیقی و توجه متعادل به جمیع نیازهای بشری یاریگر باشد (کشوری، ۲۰۱۱).

باید پذیرفت که بعضی موانع، هم برای انسان خیر است و هم اینکه می‌تواند بستر تبدیل تهدید به فرصت باشد. پوشش زن شاید در وهله اول برای یک مرد رنج‌آور باشد و او راضی به این موانع نباشد؛ اما این برای آن مرد بهتر است؛ زیرا می‌تواند ذهن او را به امور مهم‌تری در زندگی از قبیل آینده روشن اقتصادی معطوف دارد. مرد با توجه به نقشی که در بعد سخت‌افزاری زندگی دارد، توجه صرف به مسائل جنسی که قبل و چه بعد از ازدواج برای او زیان‌بار خواهد بود؛ لذا حجاب زن به مرد تفهیم می‌کند که توان ذهنی خود را درگیر با مسائلی کند که آینده او را بسازد؛ نه اینکه غرق در مسائلی کند که حاصلی سراب‌گونه و زودگذر دارد (جنیدی، ۲۰۱۴).

با گذر از این مقدمه و در ادامه واژه حجاب معنا می‌شود، سپس به کاربرد واژه لباس در قرآن و ارتباط آن با موضوع آرامش و بهداشت روان اشاره می‌شود و در نهایت به موضوع تطبیق سطوح پیشگیری در بهداشت روانی بر تحقق حجاب پرداخته می‌شود.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه**۱-۲- تعریف مفاهیم****۱-۱-۲- معنای واژه حجاب**

واژه حجاب در لغت به معنای حائل است (طریحی، ۱۴۰۸). نیز به معنای چیزی است که مانع رسیدن دو چیز به هم باشد؛ چه مادی، چه معنوی (مصطفوی، ۱۳۶۰). هر چیزی که به واسطه آن، چیزی از چیزی دیگر در نهان قرار گیرد (فراهیدی، ۱۴۰۵). اگر حجاب را در رابطه با مسائل جنسی معنا کنیم، زینت‌ها و جاذبه‌های جنسی و جسمی انسان در یک‌طرف رابطه و نگاه‌های هوس آلود افراد در طرف دیگر آن است و حجاب به‌عنوان مانع و حائل در برقراری این نوع از ارتباطات است. در اصطلاح فقهی حجاب به معنای لباسی است که زن برای حفظ عورت خود از اجانب می‌پوشد (قلعجی، ۱۴۰۸). منظور از عورت در زن هر چیزی است که آشکار شدنش - به دلیل خاصیت آسیب‌رسان و آسیب‌پذیر بودنش - جایز نیست؛ لذا در زن قضیه حجاب نمود بیشتری دارد؛ زیرا زن مظهر جمال است و دائماً و فطرتاً مورد توجه مرد است. اگر زن جاذبه‌های جسمی و جنسی خود را بپوشاند نوعی مصونیت اجتماعی برای خود ایجاد نموده و سبب امنیت و باعث کاهش استرس در خود شده؛ گذشته از این زمینه‌های رشد مفاسد اجتماعی از قبیل زن آزاری توسط مرد را کاهش داده (رضایی‌اصفهانی، کلانتری، نصیری، بهجت پور و کمالی، ۱۴۰۰) و به سلامت روانی مردان نیز کمک خواهد کرد؛ بنابراین هرگاه لباس باعث پوشش عورت و به اصطلاح حجاب ایجاد شود، دو جنس مخالف از ورود به رفتارهای پر خطر جنسی در امان‌اند. جالب است در پرندگان نیز پوشش بدن اهمیت زیادی دارد. واژه ریش در آیه ۲۶ سوره اعراف در اصل به معنای پر پرندگان است (قرشی، ۱۳۷۷) که به‌جز نوک و پاها بقیه بدنشان برای حفاظت از گرما و سرما پوشیده از پر است. در حیوانات نیز پشم و یا

پوشش و لایه چربی در اطراف بدن نقش مهمی در تداوم حیات و بقای ایشان دارد. البته ناگفته نماند واژه حجاب در قرآن کریم در هیچ مورد به معنای حجاب اصطلاحی نیست؛ بلکه فقط معنای لغوی حجاب را در خود دارد (دهقانپور و اوصلی، ۱۳۹۹)؛ اما واژه لباس با دو ویژگی اساسی «يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيثًا» (اعراف: ۲۶) به کارکردهای دو جانبه لباس که یکی پوشاندن نقاط آسیب‌رسان و آسیب‌پذیر جسم است و دیگری گستره و شمول پوششی آن است اشاره نموده است؛ البته مفاهیم دیگری نظیر جلاب و خمار در قرآن کریم هستند که از مصادیق حجاب محسوب می‌شوند؛ اما امروزه در فرهنگ اسلامی معنای لغوی حجاب تغییر یافته و از مفهوم عام خود که کاربردش منع دیدن مسائل ظاهری پشت پرده بوده، خارج و اصطلاح خاصی شده که کاربردش پوشاندن سر و بدن زن و به تبع مانع رؤیت بدن وی از نظرگاه مرد باشد. لذا از این حیث در فرهنگ عامیانه جایگاه بهتری در بحث پوشش کامل نسبت به مفهوم لباس پیدا کرده است.

۳- روش‌شناسی

در این مقاله دو بخش مهم پیگیری می‌گردد؛ در بخش اول موضوع حجاب و تعریف لغوی و اصطلاحی آن، نیز به مفهوم لباس به لحاظ لغوی و اصطلاحی پرداخته می‌شود و در ادامه به آیاتی که در آن صرفاً واژه لباس آمده اشاره می‌شود. در اینجا به دو منظوره بودن کارکردهای لباس در قرآن کریم اشاره می‌شود. یکی به اعتبار حقیقی یا مجازی بودن لباس و دیگری به اعتبار نوع اثربخشی لباس ظاهری و حقیقی بر افراد است که در دو جنبه جسمی و روانی قابل پیگیری است. بعد از این به موضوع تفاوت واژه لباس با حجاب پرداخته می‌شود تا اهمیت و برتری حجاب بر لباس آشکار گردد. در بخش دوم مقاله به تأثیر حجاب بر آرامش روانی از نگاه آیات قرآنی پرداخته می‌شود؛ لذا از همین آیات به دست می‌آید که بی‌حجابی در شمار عوامل ایجاد کننده اختلالات روانی است. در قسمت پایانی نیز به هم تأثیر متقابل حجاب و بهداشت روانی بر هم، و هم به موضوع پیشگیری که از مهم‌ترین راهبردهای بهداشت روانی در تحقق موضوع حجاب است اشاره می‌شود.

۴- یافته‌ها

۴-۱- تحلیل معنایی واژه لباس

۴-۱-۱- کاربرد واژه لباس در قرآن کریم

واژه لباس از ریشه لبس است. به معنای چیز پوشیدنی (پوشاک) است. چیزی شبیه به پارچه که بدن یا چیز دیگری را بپوشاند و در حقیقت مانع رؤیت ظاهری آن شیء یا جسم می‌شود؛ لذا از جهت مانعیت با حجاب در یک حیطه معنایی قرار می‌گیرد. واژه لباس در دو ساحت حقیقی و مجازی در قرآن کریم کاربرد دارد. ده بار در قرآن کریم آمده است (عبدالباقی، ۱۳۷۴). در کاربرد مجازی لباس در قرآن، یکی آیه ۱۸۷ سوره بقره است که می‌فرماید: «أَلَلَّ لَكُمْ لَيْلَةٌ الْإِيَّامِ لَرَفًا ۗ إِلَيْكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ ۗ أَنْتُمْ بَاسٌ لِهِنَّ». خداوند در این آیه اشاره می‌کند که زن و مرد همچون لباس، همیشه و دائماً با هم هستند. برخی آن را کنایه از شدت ارتباط جنسی زن و شوهر برشمرده‌اند (بلاغی، ۱۴۲۰). یا همچون پوششی برای یکدیگر ترسیم نموده تا انواع خطاهای جنسی و غیرجنسی خود را پوشش دهند (طیب، ۱۳۷۸). اینجا یعنی همه خطاها را پوشش دهند؛ زیرا واژه لباس مفهوم عام دارد. از این عبارت بر می‌آید که نیاز زن و مرد به همدیگر قضیه‌ای دو طرفه بوده و هریک برای پوشش و رفع نیازهای طبیعی خود به دیگری نیازمندند (قراحتی‌کاشانی، ۱۳۸۳). لباس همچنین برای تن یک پوشش همیشگی حتی پس از مرگ و در حشر و قیامت و در بهشت است؛ لذا دوری از آن خاصه در موقعیت‌های اجتماعی مایه‌ی رسوایی است؛ همچنان که دوری از ازدواج و همسر نیز سبب انحراف و رسوایی است (دهقان، ۱۳۸۴). نحو دیگری که از واژه لباس به صورت مجازی در قرآن کریم آمده، عبارت «بِلَالِ الْقَوَى» (اعراف: ۲۶) است. علاوه بر زن و شوهر که

لباس هم هستند، تقوا نیز در قرآن کریم به عنوان لباس در نظر گرفته شده؛ یعنی همان گونه که لباس مادی و ظاهری انسان، پوشش عیوب، محافظ از سرما و گرما و نیز زینت دهنده ظاهر آدمی است، تقوا نیز عامل پوشش عیوب اخلاقی، نگهدارنده از گناه و در نهایت باعث زیبایی معنوی انسان است (قرائتی کاشانی، ۱۳۸۳). تقوا به تعبیر دیگر لباس خدادادی و فطری (ماوردی، ۱۳۴۴) یا همان عفاف است که حاکم بر لباس ظاهر و در مرتبه‌ای بالاتر قرار دارد. برخی در تفسیر «ن(ن) (الآن)» به عناوینی نظیر ایمان، حیا (ابن قتیبه، ۱۹۹۱)، شمشیر و جهاد (شیخ مفید، ۴۱۳) اشاره نموده‌اند، و حجاب را مصداق و نشانه ظاهری تحقق ایمان و حیا در فرد می‌دانند (سیوطی، ۱۳۸۰).

اما رابطه لباس و شمشیر و جهاد با موضوع تقوا نیز از این حیث می‌تواند باشد که لباس با پشتوانه تقوا همچون شمشیری است که می‌تواند هم قدرت بازدارنده و هم ابزار مقابله با تهاجم دشمن باشد. برخی لباس ظاهر را حد واسط بین لباس التقوی و مفهوم سکینه و اخبات (آرامش) برشمرده‌اند (مرتضی زبیدی، ۱۴۰۴)؛ یعنی یکی از مصادیق قدرت درونی معنوی یا همان تقوا، حجاب است و حجاب خود باعث آرامش افراد است. دیگر از موارد لباس مجازی در قرآن کریم، عبارت «جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا» (نبا: ۱۰) و موارد مشابه آن است که خداوند متعال در این آیات به نحو امتنان به ویژگی لباس بودن شب و حالت سکون و آرامش در آن (طبری، ۱۴۱۲) اشاره نموده است. وجه اشتراک لباس و شب دو چیز است؛ یکی ویژگی فراگیری کامل آن دو؛ به نحوی که پوشش به معنای اتم آن حاصل می‌شود؛ دیگری خاصیت آرامش بخشی و سکون آن دو. در خصوص شب، مفهوم آرامش کاملاً آشکار و مورد پذیرش همگان است؛ اما در مورد لباس ممکن است هنوز برخی مردم دنیا هنوز به ویژگی آرامش بخشی لباس پی نبرده باشند. آخرین مورد مجازی که واژه لباس در آن آمده آیه: «كَفَرْتُ بِأَنعَمَ ۚ فَبَدَّلَ اللَّهُ إِلَيْنَا نِعْمَ الْإِنسَانِ الَّذِي يَخْلُقُ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۚ وَالْإِنسَانُ كَافِرٌ» (نحل: ۱۱۲) است.

۴-۱-۲- کاربرد لباس حقیقی در قرآن

در گذشته برخی مردمان کفران نعمت‌های خدا کردند و خداوند لباس گرسنگی و ترس را به خاطر اعمالشان بر وجود آنان پوشانید؛ یعنی اینکه سراسر وجود آنان را ترس و ناامنی فرا گرفت؛ به نحوی که از شمول کامل ترس از مرگ و فشار گرسنگی مجبور به خوردن کرک و پشم شتران همراه با خون شدند (ابن کثیر، ۱۹۹۸). اینجا نیز مفهوم کاربردی لباس؛ یعنی ویژگی فراگیری آن آشکار است؛ اما کاربرد لباس ظاهر و دنیوی در قرآن کریم در دو مورد و در خصوص بهشتیان نیز دو آیه است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ ۖ كُنُوا لِلَّهِ غَافِقِينَ ۖ وَارْتَدُوا عَنكُم مِّن رَّبِّكُمْ ۖ وَكُلُوا وَشَرِبُوا مِن حَيْثُ شِئْتُم مِّن دُونِهَا ۚ وَلَا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ ۚ فَيُفْضِلَ عَلَيْكُمْ حَرَامَاتِهِمْ ۚ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ ۚ قَدْ أَخْرَجَهُم مِّن دِينِهِمْ وَأَخْلَصُوا كَلِمَةَ قَوْمِهِمْ ۚ لِيُتَّخَذَ عَلَيْهِمُ الْكَلِمَةُ سِوَا اللَّهِ ۚ كَذِبًا ۚ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ» (اعراف: ۳۱-۳۶) این آیه به کارکردهای دوگانه لباس اشاره دارد که هم می‌تواند بدی‌های انسان را بپوشاند و هم باعث زینت آدمی باشد که هر دو مورد باعث ایجاد نوعی آرامش روانی در انسان می‌شود. جمله «يُؤَارِي سَوَاتِرَكُمْ» که وصف برای «لباس» است دلالت دارد بر اینکه لباس پوشش واجب و لازمی است که کسی از آن بی‌نیاز نیست و آن پوشش برای عضوی است که برهنه بودنش زشت و مایه رسوایی است، به خلاف ریش که به معنای پوشش زاید بر مقدار حاجت و باعث زینت و جمال است (طباطبایی، ۱۳۷۴). لذا معنای «سوء» (به فتح سین) یعنی چیزی که به خودی خود و ذاتاً بد نیست؛ اما وسیله‌ای برای یک بدی شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰). بر این اساس بدن انسان به خودی خود چیز بدی نیست؛ اما همین که جسم آشکار شده و جاذبه‌های آن دیده شود، خود باعث ایجاد بدی و ناهنجاری می‌شود و تأثیرات غیرمستقیم منفی برای طرف مقابل بر جای می‌گذارد؛ بنابراین بدن انسان به جهت اینکه عریان بودنش تولید مفسده می‌کند پوشیده بودنش الزام شده است؛ البته در اینجا می‌شود به اعتباری به تفاوت لباس و حجاب پی برد و اینکه این دو یکی نیستند. لباس اشاره به مطلق پوشیدنی دارد بدون هیچ گونه قید و شرطی؛ اما حجاب مصطلح و شرعی یک نوع لباسی است که مانع و حائل است.

۴-۱-۳- تفاوت لباس (پوشش صرف) و حجاب

کارکرد حجاب فقهی و شرعی این است که وجود آن باعث کاهش مفاصد جنسی شود و بتواند بدن انسان را از نگاه و توجه هوس آمیز مردان در امان دارد؛ در حقیقت حجاب اصیل، ضد تبرج و خودنمایی است؛ برای نمونه امروزه برخی حجاب استایل هستند؛ یعنی حجاب دارند؛ اما گویی حجاب ندارند و مصداق این قسمت از یک روایت رسول مکرم اسلام ﷺ قرار می‌گیرند که در خصوص پوشش برخی زنان فرمودند: «**كَيْفَ رَأَى رَأَى**» (محمدی‌شهری، ۱۳۷۷) یعنی پوشیده‌های عریان؛ یعنی پوشش دارند ولیکن حجاب ندارند؛ حال آنکه لباس مطلوب [حجاب] می‌بایست خودبه‌خود «دور باش» ایجاد کند (مطهری، ۱۳۷۹). پوشش کاملی که نامطلوب باشد این کارایی را ندارد و تبرج و تابلو شدن معنا می‌شود. در آیه ۵۹ سوره احزاب در خصوص کارکرد حجاب به‌عنوان مصداقی از حجاب می‌فرماید: «**ذَلِكَ لَعْنَةُ نَارٍ يُدْنُونَ فِيهَا الَّذِينَ**» یعنی اینکه حجاب هم می‌تواند باعث شناساندن انسان به پاکی و نشانگر عدم تمایل زن به مسائل جنسی خارج از چارچوب باشد و هم اینکه می‌تواند مانع آزار و اذیت او توسط مرد باشد؛ لذا حجاب اصیل هم پوشیدگی کامل بدن را در خود دارد؛ همچنان که در روایتی از امام صادق بدان اشاره شده که روا نیست زن به‌گونه‌ای لباس بپوشد که قسمی از آن پیدا باشد (کلینی، ۱۴۰۷). دیگر اینکه لباس مانع توجه و جلب نظر همگان باشد و این دو کارکرد لباس مطلوب، در حکم علت و معلولند برای هم؛ به این معنی که با آشکار شدن اندام جنسی زن به دلیل عدم تحقق بعد مانعیت، مرد پیگیری‌های آزاردهنده و آسیب‌رسان به زن را آغاز می‌کند. در مجموع می‌توان نسبت لباس و حجاب را نسبت عموم و خصوص مطلق دانست؛ یعنی همه حجاب‌ها با لباس همراهی دارند و بدون آن معنایی ندارند؛ اما همه لباس‌ها حجاب نیستند. آیه دیگری که در این خصوص لباس اهل دنیا آمده عبارت قرآنی «**يَا لَيْلَىٰ أَدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا**» (اعراف: ۲۷) است که اشاره به داستان آدم و حوا دارد. خداوند متعال خطاب به انسان خطاب می‌کند: گول شیطان را نخورید همان‌گونه که پدر و مادرتان (آدم و حوا) را با عریان نمودن جسم و آشکار نمودن زشتی‌هایشان از بهشت بیرون کرد. یک برداشت مهم این است که هرگونه برنامه و تبلیغی که باعث برهنگی و فاصله گرفتن از لباس باشد شیطانی است. «**لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ ... يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا**»؛ زیرا بر اساس این آیه هدف شیطان، برهنگی زن و مرد در برابر یکدیگر است (قرآنی‌کاشانی، ۱۳۷۴). بروز آسیب‌های هیجانی و روانی هر دو از عریانی بدن هم است. واژه نزع در زبان عربی به معنای متعددی از جمله به معنای جدا شدن روح از تن است (مکارم شیرازی، ترجمه قرآن: ذیل ترجمه واژه نازعات) خداوند متعال در این آیه آن را برای جدا شدن لباس از تن آورده است؛ حال آنکه این مطلب نکته لطیفی دارد؛ بدین‌صورت که همچنان که با جدا شدن روح از تن، تن آدمی بی‌ارزش و ناکارآمد می‌شود، اگر لباس را هم از جسم جدا کنند، جسم ارزش خود را از دست می‌دهد؛ لذا ارزش جسم به لباس است و ارزشمندی لباس هم به قرارگیری آن بر جسم.

۴-۱-۴- کاربرد حقیقی لباس در قرآن کریم

نکته دیگری که در بیان عبارت «**لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِيَهُمَا**» به آن کمتر توجه شده این است که منظور از آشکار شدن زشتی، تنها زشتی‌های جسمی نبوده؛ بلکه می‌تواند به معنای آشکار شدن زشتی‌ها و اختلالات روانی باشد؛ زیرا بعد از افتادن لباس‌ها آدم و حوا دچار نوعی آسیب‌های هیجانی- روانی شدند و سریعاً اقدام به حلّ معضل با پوشاندن آن قسمت‌ها نمودند: «**نَ تَطَفِقًا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ**» (اعراف: ۲۲). اینکه در برخی روایات اشاره می‌کند که این سوءات، تنها جنبه ظاهری نداشته بلکه داخلی بوده (قمی، ۱۳۶۳) نیز می‌تواند اشاره به موضوع روح و روان باشد که خود امری غیر ظاهر است؛ اما دو آیه آخر مربوط می‌شوند به لباس‌های اهل بهشت و بیانگر جنس لباس ایشان است؛ عبارت قرآنی «**وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ**» (حج: ۲۳؛ فاطر: ۳۳) علاوه بر اینکه اشاره می‌کند لباس به‌عنوان یک امر مثبت و الهی و یک کمال به بهترین جنس و رنگ و نقش در بهشت ارائه می‌شود، بیانگر این مسئله نیز هست که اگر برهنگی ارزش بود، بهشتیان نصیبی از آن داشتند و اگر لباس امری بی‌ارزش بود در خصوص جنس و رنگ آن توضیحی داده نمی‌شد؛ کما

اینکه خداوند متعال در جایی دیگر تأکید می‌کند بهشت جایی است که انسان در آن گرسنه و عریان نمی‌شود: «إِنَّ لَكَ أَلَّا تَدَّعِيَهَا وَ لَا تَعْرَى» (طه: ۱۱۸) از مجموع این آیات مربوط به لباس به دست می‌آید که لباس با مفهوم گستردگی و شمول در یک حوزه معنایی قرار دارد؛ لذا اگر در قرآن نامی از لباس می‌آید منظور پوشش کامل و فراگیر آن مسئله است البته به استثنایی که در این خصوص آمده است: «ما ظهر منها» (نور: ۳۰)؛ دیگری موضوع وجود آن برای انسان به دلیل تبعات ناگواری که در فقدان آن وجود دارد. همچنین قرآن کریم با محوریت واژه «لیل» [به معنای شب] این نکته را که لباس مطلوب مایه آرامش آدمی است مورد تأکید قرار داده است. در آیات: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِيَأْسَأَ» (فرقان: ۴۷) و «وَجَعَلْنَا أَيْلَ لِيَأْسَأَ» (نبا: ۱۰) شب را «لباس» معرفی نموده، در سویی دیگر پنج آیه آمده که در آن‌ها شب مایه سکون و آرامش تلقی شده است: از جمله آیه «وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا» (انعام: ۹۶) نیز آیه «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ» (یونس: ۶۷) با جمع‌بندی بین این دو نمونه آیات و با وجه شبه قرار دادن واژه لیل، این نکته به دست می‌آید که رابطه جانشینی بین لباس و سکون برقرار است و در یک حوزه معنایی قرار دارند.

تأثیر حجاب بر آرامش روانی پوشش مناسب و در شأن زن، همواره مایه آرامش و تسکین قلب همه مردم مخصوصاً مردان است. قرآن کریم در باب پوشیدگی زن در برابر مرد می‌فرماید: «ذَلِكَمُ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِمْ» (احزاب: ۵۳) یعنی اینکه این امر برای هر دوی آن‌ها خوب است و باعث آرامش قلبی هر دو می‌شود؛ مفهوم مخالف این قضیه این است که ارتباط مستقیمی بین بی‌حجابی زن و تحریک‌پذیری، عدم خویشتن‌داری و در نهایت روان‌پریشی مرد برقرار است. مفهوم این سخن این است که بی‌حجابی به نوعی در شمار اختلالات روانی قرار دارد. حال اینکه اختلال چیست باید گفت اختلال یا بیماری روانی رفتاری است ناسازگار با هنجارهای مورد انتظار جامعه و خلاف منطبق که موجب ایجاد مشکلاتی برای فرد و دیگران در ابعاد مختلف زندگی شده است (گنجی، ۱۳۹۵). همچنین اختلال رفتار یا حالتی هیجانی است که شخص را به زحمت می‌اندازد، خودویرانگر است، به توانایی‌های فرد برای کارکردن یا همراهی با دیگران شدیداً آسیب می‌زند و اجتماع را به خطر می‌اندازد (وید، تاوریس، ایلیس، لورین و زورسیر، ۱۳۹۷). لذا برای رفع آن باید چاره‌اندیشی کرد؛ حتی اگر نیاز به اعمال قانون باشد، باید این کار را کرد. وقتی به مفهوم بی‌حجابی می‌نگریم متوجه می‌شویم که بی‌حجابی نیز در حقیقت یک نوع ناهنجاری و امری خلاف جهت طبیعی، رفتاری ناسازگار با هنجارها، انتظارات، فرهنگ جاری و قانونمندی اجتماعی است که باعث آسیب‌رسانی به عملکردها در زمینه‌های مختلف و در مواجهه با دیگران می‌شود.

۴-۱-۵- علل وقوع اختلال بی‌حجابی از جنبه روانی

برخی زنان که دارای اختلال شخصیت جامعه‌ستیز و سلطه‌طلب هستند. این افراد حقوق دیگران یا قوانین اجتماعی را در نظر نمی‌گیرند و از این کار خود که برای دیگران دردآور و آسیب‌رسان است احساس خوشحالی می‌کنند (ویتینگ، ۱۳۸۶) و این ابتلا به نوعی سادیسم را نشان می‌دهد. باز از نقطه نظر روانشناسی علت دیگر وقوع بد یا بی‌حجابی‌ها را می‌تواند عدم قبول نقش‌هایی دانست که انسان در مسیر و مراحل رشد جسمی و روانی خود بدان نائل می‌آید. فروید در نظریه روان تحلیلی خود عنوان این اختلال شخصیتی را «بازگشت» نامیده که از جمله مکانیسم‌های دفاعی نادرست در انسان محسوب می‌شود؛ به این معنی که انسان به یکی از مراحل رشد قبلی خود که در آن احساس راحتی بیشتری می‌کند و معمولاً دوران کودکی است برمی‌گردد (گنجی، ۱۳۹۵).

توضیح اینکه کودک در طی مراحل رشد شخصیتی و روانی خود؛ چنانچه به هر دلیلی در یکی از مراحل، نیازهایش به اندازه و از مجرای صحیح برآورده نشود، موجبات توقف رشد شخصیت او فراهم می‌شود و ممکن است تا پایان عمر حالات و رفتارهای دوران قبلی را بروز دهد. در مرحله نهنفگی یا نهان تناسلی دختران حالت جذب و جلب توجه و پذیرش به خود می‌گیرند و در نتیجه علاقه به پوشیدن لباس‌های زیبا و به‌نحوی که جلب توجه کند؛ نیز آرایش کردن از ویژگی‌های دختران در این دوره است. نکته اساسی اینجا است که برخی از این قبیل زنان در این مرحله متوقف می‌شوند و به مرحله بعدی که مرحله تکامل بلوغ و تعیین هویت و شخصیت است گام

نمی‌نهند و همچنان تمام وقت و همت خود را مصروف توجه دیگران می‌کنند و از کارکردهای اساسی و نقش‌هایی که باید در ادامه مسیر رشد روانی ایفا کنند بازمی‌مانند؛ البته اغلب نیاز به خودنمایی و مهم جلوه دادن خویش (خودمحوری زمان کودکی) را در بزرگسالی به کناری می‌نهند؛ اما افراد رشد نیافته همین‌که می‌بینند با بزرگ‌تر شدن و کسب استقلال و پذیرش مسئولیت، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند، از پذیرش استقلال و مسئولیت طفره می‌روند (مینگر، وایتسمن، ایس و مایر، ۱۳۷۳) و با عدم پذیرش شرایط مرحله بالاتر رشد روانی در همان مراحل قبلی متوقف می‌شوند و بعضاً آسیب‌های جسمی و روانی به خود و دیگران وارد می‌کنند.

این قضیه برآیند رفتاری است که در زمان کودکی با آنان شده و تأثیر گذاشته است (لوی و کسر، ۱۳۸۸) و اکنون قادر به ترک آن نیستند. در بیانی دیگر این افراد ممکن است هویت جنسی نیرومندی داشته باشند؛ اما نقش جنسیتی خاصی را نپذیرفته‌اند؛ یعنی اینکه زن هستند ولی از انجام امور و شئون مردانه ابایی ندارند (وید و همکاران، ۱۳۹۷). نظیر کاهش در پوشش. برعکس این قضیه که یک زن رفتارهای کودکی انجام می‌دهد، این است که یک کودک رفتارهای بزرگسالی را انجام دهد. این اختلال رفتاری اغلب در کشورهایی که در آن‌ها روابط آزاد حاکم است وجود دارد؛ آنجا که یک دختر در فرایند بلوغ زودرس قرار می‌گیرد و در سن پایین رفتارهای جنسی نامتناسب با سن خود را بروز و ظهور می‌دهد؛ به تعبیر دیگر دچار حسّ خود شیء بینی می‌شوند که یکی از مصادیق آن نمایش جاذبه‌های جنسی به منظور آمادگی برای روابط نامتعارف با پسران است (لوی و کسر، ۱۳۸۸). برخی افراد دیگر نیز به دلیل مشکلات روانی قبلی نظیر خلأ عاطفی و نیز حسّ خود کمتر بینی دوست دارند که دیده شوند و مورد توجه باشند؛ لذا جاذبه‌های ظاهری خود را با هدف جذب دیگران به نمایش درآورده و عشوه‌گری می‌کنند. به این نوع اختلال روانی، اختلال شخصیتی نمایشی یا هیستریونیک گفته می‌شود (آلن، ۱۳۹۲). همچنین از نظر آسیب‌شناسی تبعات روانی حاصل از قبل (مقدمات) و بعد (نتایج) بی‌حجابی نیز غیرقابل انکار است. قسمی از بدحجابی‌ها معلول یک بیماری یا اختلال روانی است؛ همچنین در قسمت عمده‌ای از تأثیر و تأثراتی که بی‌حجابی بر جامعه می‌گذارد، نشانگانی از بیماری‌ها یا اختلالات روانی در سطح جامعه و از مسیر بی‌حجابی‌ها دیده می‌شود؛ برای نمونه امروزه با آشکار شدن اندام جنسی زن و در معرض نمایش قرارگیری آن، حس نارضایتی جسمی در او پدیدار شده که این خود بر میزان استرس و نگرانی او افزوده و اختلال نارضایتی جسمی را برای او رقم زده است. شیطان اصرار دارد و وسوسه می‌کند که اندام پوشیده انسان، آشکار شود تا اینکه روح و روان صاحب اندام و نیز بیننده آن را پریشان و مختل کند: «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا». به هر روی بی‌حجابی سرآغاز و بیدارگر غریزه جنسی و موجب ایجاد تنش‌ها، ستیزها و مشکلاتی در میان مردم خاصه نسل جوان با هدف کاهش ازدواج و ضربه به نظام خانواده به‌عنوان مأمّن و مرجع اصلی رفع مشکلات روانی است. همین معضل بی‌حجابی در روزهای ابتدای آفرینش انسان باعث شد که انسان از مأمّن اصلی خود؛ یعنی بهشت رانده شود و به زمین هبوط کند (رک اعراف: ۲۴).

۴-۱-۶ رابطه و تأثیر بهداشت روانی بر اساس الگوی پیشگیری سه سطحی بر مسئله حجاب و خصوصاً بی‌حجابی

یکی از معضلاتی که می‌تواند بهداشت روانی جامعه را با خطر اختلالات و بیماری‌های روانی مواجه کند، موضوع رهاسازی فضای پوشش در سطح جامعه است که عدم نظارت دقیق و منطقی بر آن عواقب ناگواری بر نظامات اجتماعی و روان آدمی و ابعاد دیگر زندگی دارد؛ برای نمونه وقتی یک زن تن خود را عاری از حجاب می‌کند، در حقیقت کارکردهای خود و نیز نوع نگاه صحیح و محترمانه به خود را تنها معطوف به بعد جنسیتی می‌کند و مرد را در این خصوص به اشتباه می‌اندازد؛ مرد تصور می‌کند که زن تنها برای رفع شهوات و امیال نفسانی او آفریده شده و وظیفه‌ای جز این ندارد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰). به ابعاد دیگر شخصیتی او بی‌توجه می‌شود. اینجا است که ارزش زن رفته‌رفته کم می‌شود و اگر در موافقی هم توسط مردان تکریم می‌شود تنها برای خوشامد و رفع هیجانان جنسی مرد است. برخی از زنان آگاه به چنین نگرشی، دچار رنجش خاطر، تحقیر و تصور غلط عدم اهمیت داشتن خود می‌شوند و از اینکه خود را یک وسیله و کالا در خدمت ارضای جنسی مرد می‌بینند، احساس خوشایندی ندارند. این امر می‌تواند شروع برخی بیماری‌های روانی

برای زنان باشد. حس می‌کند که گوهر گران‌بهای خود را ارزان فروخته است. از زاویه‌ای دیگر با گسترش بی‌حجابی در برخی جوامع، چون تقاضا برای برهنگی زن توسط مردان و با تمجید از برهنگی آن‌ها صورت می‌گیرد، رفته‌رفته آن زنانی می‌توانند در این به‌اصطلاح مسابقه، پیروز میدان باشند که هر روزه از کمیت حجاب بکاهند و به کیفیت آرایش و برهنگی بیافزایند. در این بازار هر چقدر عرضه بیشتر و بهتر باشد تقاضا بالاتر می‌رود. در این فضای کثرت و تنوع تقاضا، زن به جایی می‌رسد که حس می‌کند دیگر چیزی برای عرضه و اقتناع طرف مقابل ندارد و اینجا است که احساس حقارت و عقب ماندن و عدم رضایت از اندام باعث مشکلات متعددی روانی برای او می‌شود. البته ناگفته نماند که مرد نیز مصون از مشکلات روانی در این حیطه نیست؛ زیرا در این روابط آزاد او نیز به دلیل عدم تمایل و رضایت برخی زنان در برقراری ارتباط با وی با وجود تمایل شدید مرد، آسیب‌های روانی را تجربه می‌کند (آیت‌اللهی، سادات حسینی، بانکی‌پورفرد، نامجو، محمودی و همکاران، ۱۳۹۶).

برای رسیدن به بهداشت روانی مطلوب در سطح جامعه لازم است در خصوص معضل بد یا بی‌حجابی بر جنبه پیشگیرانه در بهداشت روانی و تطبیق آن بر مسئله بی‌حجابی تأکید کرد. شاملو در تعریف بهداشت روانی می‌گوید: «بهداشت روانی مجموعه عواملی است که در پیشگیری از ایجاد و یا پیشرفت روند وخامت اختلالات شناختی، احساسی و رفتاری در انسان نقش مؤثر دارند» (شاملو، ۱۳۹۲). اصل در بهداشت روانی یافتن و توضیح علل و عوامل اختلالات وقوع یافته نیست؛ بلکه در اصل باید به دنبال عدم تحقق اختلال قبل از وقوع آن و یا حداقل کاستن از رشد آن بود. شاملو سطوح پیشگیری را سه سطح می‌داند که شامل پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالثیه است و هر کدام از آن‌ها به تفکیک می‌تواند در خصوص تحقق مسئله حجاب مهم بنمایند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۴- پیشگیری

۴-۲-۱- پیشگیری اولیه در بهداشت روانی و نحوه تطبیق و کاربرد آن در تثبیت حجاب

موضوع بحث در پیشگیری اولیه کاهش مقدار بروز اختلالات روانی در جامعه به‌وسیله مقابله با شرایط آسیب‌زا قبل از ایجاد آن‌ها است. اصولاً هدف آن پیشگیری از فراگیری بیماری یا اختلال روانی است؛ لذا باید عوامل سبب‌زا و خطرزا از بین بروند (شاملو، ۱۳۹۲). در یک کلمه؛ یعنی سالم‌سازی محیط و واکسیناسیون نیزه کردن جامعه قبل از ایجاد آن بیماری یا اختلال. به بیانی دیگر یعنی سلامت رفتاری که در اصل مبتنی بر پیشگیری از بیماری در افراد سالم است (آزاد، ۱۳۸۹). این امر مستلزم همکاری همه بخش‌های تأثیرگذار در جامعه است و اینکه هر بخش یا نهادی از اجتماع، قواعد پیشگیرانه را در خصوص مهار بی‌حجابی قبل از شروع آن انجام دهد. اولین اقدامی که می‌توان در راستای پیشگیری از فرهنگ بدحجابی انجام داد تا بهداشت روانی در موضوعات جنسی تحقق یابد، موضوع اهمیت و ضرورت پیگیری این مسئله در سنین پایین خصوصاً در دوران کودکی و نوجوانی است (طهماسبی‌پور، ۱۳۹۵). قرآن کریم در اولین قدم نهاد خانواده را ملزم به انجام فریضه حجاب نموده است. خانواده می‌بایست کسب‌روزی حلال، دقت در ظرافت‌های نطفه‌گذاری، رفع نیازها و احتیاجات فرزند، احترام به شخصیت او، تربیت صحیح، شناساندن دقیق و بدون اشکال معارف الهی به فرزندان، کنترل و نظارت بر فرزند مخصوصاً در خصوص ورود فرزندان به فضای مجازی، نظارت بر انتخاب لباس‌های متناسب با فرهنگ اسلامی؛ نیز کمک در انتخاب صحیح دوست برای ایشان؛ همچنین به‌کارگیری انواع هنرها، تدابیر، روش‌های عقلانی و استفاده از فضاها و مطالب جذاب و اثرگذار از قبیل تمثیل، قصه‌گویی، تشویق، نصیحت، الگودهی و الگوسازی و... در خصوص ترویج فرهنگ حجاب با بهره‌گیری از معارف قرآن و عترت و با چاشنی محبت و صمیمیت اقدام نماید؛ همچنین والدین خود می‌بایست در بادی امر و در تبدیل حرف به عمل در صف مقدم باشند؛ زیرا باید پذیرفت که قسمی از بدحجابی‌ها معلول فرهنگ خانوادگی است. نمونه بارزی که در اینجا می‌توان مثال زد، دستور قرآن به نمازی کردن خانواده و استقامت در این راه است «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه: ۱۳۲). گذشته از آثار معنوی نماز و تأثیراتی که در دور داشتن انسان از فحشاء و منکر دارد، در ظاهر نیز وقتی یک زن به نماز می‌ایستد، مطابق احکام فقهی می‌بایست بدن خود به‌جز گردی صورت و دست‌ها از نوک انگشت تا مچ را کامل بپوشاند. این رفتار و تکرار آن، تمرینی برای

حجاب از همان کودکی است که می‌تواند در آینده هم تداوم داشته باشد. همچنین در ۹ سالگی دختران به سن تکلیف می‌رسند که خود فرصت خوبی برای اجرای قوی‌تر موضوع حجاب است. خداوند متعال در خصوص توجه والدین به بعد معنوی فرزندان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶). حکومت نیز به‌عنوان قدرت نرم‌افزاری موازی با خانواده می‌تواند تأثیرات فراوانی بر مسئله حجاب و تثبیت آن داشته باشد؛ لذا در خصوص نقش حکومت در پیشگیری اولیه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: نظارت بر چاپ و نشر کتب درسی و غیردرسی مرتبط با موضوع حجاب، کنترل و نظارت بر تولیدات صوتی و تصویری که مرتبط با موضوع حجاب است؛ نیز نظارت بر پوشش جامعه با تمرکز بر مراکز تولید، توزیع و فروش لباس. همچنین مراکز آموزشی تحت حاکمیت یا نظارت دولت نیز بی‌تأثیر بر این قضایا نیستند و می‌توانند اهداف نظام تعلیم و تربیت را به‌طور دقیق و منطقی محقق کنند. مدرسه به‌مثابه خانه دوم دانش‌آموز است؛ لذا حجاب از محیط خانه آغاز شده و در مدرسه امتداد می‌یابد. شیوه‌های مدرسه برای ترویج و اشاعه فرهنگ حجاب و پیشگیری از فرهنگ برهنگی قوی‌تر و نافذتر است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ایجاد گفتمان حجاب برای رفع شبهات، ایجاد نگرش منفی در بین دانش‌آموختگان در خصوص فرهنگ برهنگی با ارائه مستندات و حتی المقدور بهره‌گیری از حوادث به وقوع پیوسته در محیط‌هایی همچون غرب که در آن روابط آزاد، حاکم است؛ پیگیری و الزام در ارائه لباس فرم مدارس، آگاهی بخشی به دانش‌آموزان در خصوص سواد رسانه‌ای و لزوم غربالگری در پذیرش محصولات فرهنگی ارائه‌شده در فضای مجازی و رسانه‌ای. خداوند متعال در این خصوص در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (حجرات: ۶) که اشاره به جنگ شناختی دشمن و لزوم دقت در پذیرش اخبار و اطلاعات دارد. نیز مراکز آموزشی می‌توانند در بحث هویت بخشی و اکرام به نوجوان و جوان، آموزش‌های لازم و به‌موقع درباره امور جنسی، واکاوی مفهوم حریم و حیا، نصب منشور حجاب در محیط‌های آموزشی و پیگیری مستمر مفاد آن اقدامات مؤثری انجام دهند. در خصوص رسانه‌ها و پیام‌رسان‌ها نیز می‌توان به راه‌اندازی اینترنت ملی اشاره نمود تا بدین‌وسیله نبض فرهنگ جامعه در دستان متولیان فرهنگ جامعه باشد تا شناخت دقیقی از مسئله حجاب مطابق با فرهنگ اسلامی- ایرانی صورت گیرد؛ زیرا بعضاً تمایل به بدحجابی‌ها یک مسئله شناختی- روانی است؛ به تعبیر دیگر یک رفتار نادرست و مخرب ممکن است از یک طرز فکر مخرب به وجود آمده باشد؛ نقش رسانه‌های داخلی در خصوص احترام یا تحقیر و تضعیف حجاب نیز اهمیت فراوانی دارد. این‌ها همه در حیطه راهکارهای اجتماعی بود؛ اما در حیطه راهکارهای فردی می‌توان به مسئله عفاف و تقوا و سرزنش‌گر درونی اشاره کرد که قرآن کریم نیز می‌فرماید: «بَلِّغُوا النَّفْسَ الذَّالِمَةَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ» (اعراف: ۲۶) و لباس تقوا را بالاتر و پیش‌درآمد حجاب ظاهری معرفی می‌کند.

۴-۲-۲- پیشگیری ثانویه در بهداشت روانی و نحوه انطباق آن با مسئله بد یا کم‌حجابی

در پیشگیری ثانویه موضوع مداخله زودهنگام در شناخت، علت‌یابی، جلوگیری از رشد، نیز درمان سریع موارد این اختلال در مدت‌زمان کوتاه قبل از گسترش و فراگیری آن اهمیت دارد. در یک کلام مدیریت تهدید و تبدیل آن به فرصت. قسمی از این نوع پیشگیری همچنان جنبه نظری دارد و قسمی از آن جنبه عملی دارد. در مجموع باید علت‌های آن توسط نهادهای ذی‌ربط موردبررسی و مذاقه قرار گیرد. این امر مستلزم یک نوع بیزاری اجتماعی نسبت به مسئله بدحجابی است که در سطح کلان جامعه باید پیگیری شود. اینجا نیز نهاد خانواده نقش مهمی را ایفا می‌کند. در بخش نظری، خانواده یا هر گروه تأثیرگذاری باید بتواند به زن کم حجاب جامعه تفهیم کند که این مسئله سودی به حال او ندارد؛ بلکه فقط خواسته‌های نا به حق مردان هوس‌باز را محقق می‌سازد و راه سوءاستفاده از زنان را تا تبدیل شدن به یک کالای جنسی هموار می‌کند. در این بخش برعکس سطح اول پیشگیری باید قدری جنبه هشدار تقویت شود و با بیان داستان‌های واقعی، نگرش او را از همان ابتدا به بدحجابی، منفی کرد. در جنبه عملی، ازدواج به‌موقع و آسان، ارائه لباس‌های تراز زن مسلمان در جامعه راه‌حل مناسبی برای دوری از بدحجابی‌ها است؛ برخی دختران به‌اشتباه مسیر رسیدن به ازدواج را - خاصه در زمانی که سن ازدواج قدری بالا می‌رود- از طریق نمایش جاذبه‌های جنسی به مردان می‌دانند؛ حال آنکه بی‌حیایی و بی‌حجابی می‌تواند از ورود به ازدواج جلوگیری کند و باب بی‌مسئولیتی و تعهد ناپذیری را در جامعه باز کند. از دیگر موارد در پیشگیری ثانویه کنترل نگاه

است. قرآن کریم در خصوص نحوه نگاه کردن مرد و زن به هم هشدار داده است. در آیات ۲۹ و ۳۰ سوره نور ابتدا به مردان و بعد به زنان در این خصوص تذکر داده شده است. قرآن کریم باب ورود به مسائل جنسی را نگاه کردن عنوان نموده است: «يَغْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» هشدار به این قضیه می‌تواند مداخله زود هنگامی بر جلوگیری از رشد بی‌حجابی باشد. بدین صورت که اگر مرد به زن کم حجاب توجهی نکند، این باب رفته‌رفته جمع می‌شود؛ اما اگر توجه نمود این امر گسترش می‌یابد. به تعبیر بهتر باید از مکانیسم و روش «خاموشی درمانی» (گنجی، ۱۳۹۵) استفاده کرد؛ یعنی بی‌توجهی صرف و عدم تمجید و بهره‌گیری مردان از تقوای زبان. در آیه ۳۰ سوره نور خداوند متعال به موضوع راه رفتن زنانی که به طرز خاصی راه می‌رود به نحوی که جلب توجه می‌کند اشاره نموده است و از آن نهی می‌فرماید: «وَلَا يَصْرَبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» به نظر می‌رسد یکی از موارد جلب توجه مرد به پای زن، عدم پوشش پای او است نه صرفاً وجود زینت بر آن؛ بنابراین باید از همان ابتدا با تحرکاتی که منجر به گسترش بدحجابی می‌شود مقابله کرد و بی‌خیال و لاقید از کنار آن نگذشت. در آیه اخیر خداوند به اهمیت و تأثیرگذاری پای زن و احیاناً قسمتی از ساق پا اشاره کرده است. نکته دیگر اینکه مراکز آموزشی نیز می‌بایست در تشویق متعلمین برتر در زمینه حجاب، پیگیری مجدانه جلسات اولیا و مربیان با چاشنی حجاب، تفهیم صحیح مسئله حجاب با چاشنی منطق و علم به دانش‌آموختگان اقدام نمایند. همچنین در این بخش مقابله با تفکراتی که می‌گوید زن پیش از آنکه به احساس خود توجه کند باید به اندام خود توجه کند نیز اهمیت دارد. نیز پیگیری مجدانه این تفکر غلط که می‌گوید داشتن اندام لاغر و تراشیده همه‌چیز انسان است و در عوض القای تفکری که روح و باطن را مهم‌تر از جسم و ماده توصیف می‌کند اهمیت زیادی در جلوگیری از بی‌حجابی دارد. اتفاقاً یکی از دلایلی که زن را با استرس منفی بدن نامتوازن مواجه می‌کند، نمایان شدن بدن او در ملاء عام است که دیگران را به قضاوت در مورد خود وا می‌دارد. همچنین نقش حکومت در سخت‌گیری‌های منطقی و مستدل در اجرای قانون حجاب؛ نیز کنترل محرک‌هایی که بی‌حجابی را تقویت می‌کند می‌بایست در سین برنامه‌ریزی‌های حکومتی در نظر گرفته شود.

۴-۲-۳- پیشگیری سطح سه در بهداشت روانی و نحوه کاربرد آن در بی‌حجابی

در این سطح از پیشگیری که دلیل الزامی شدن آن، عدم تحقق کامل مواد پیش‌بینی‌شده در پیشگیری ثانویه است، هدف آن کاستن از گسترش عوارض جانبی بیماری‌های مزمن و طولانی روانی با انجام فعالیت‌های توان‌بخشی در افراد و آموزش مهارت‌های شغلی و اجتماعی به آن‌ها است (شاملو، ۱۳۹۲). بدون شک همبازی همه نهادهای جامعه و به شکل منسجم و نه جزیره‌ای امکان تحقق این نوع از پیشگیری را فراهم می‌کند. موضوع اصلی در این نوع پیشگیری‌ها کاستن از شدت، مدت و آثار منفی آن اختلال است. به تعبیری دیگر شناسایی محرک‌های تقویت‌کننده و مختل کردن آن‌ها. جامعه هدف در پیشگیری ثالثیه محیط‌هایی هستند که در ابتدا با بدحجابی و کم‌حجابی به نقطه‌ای از روابط آزاد دست‌یافته‌اند که دیگر کنترل آن سخت شده است. به نظر می‌رسد در بخش توان‌بخشی، اگر در جامعه ایرانی اسلامی ما، برای جوانی که در اوج نیازهای جنسی و عاطفی قرار دارد، شرایط شغلی و فضای کسب‌وکار فراهم بشود می‌تواند از این اختلال بکاهد. همچنین حکومت به‌عنوان قوه قهریه و تأثیرگذار در این بخش وظیفه دارد در اجرای دقیق قانون عفاف و حجاب در بین همه آحاد جامعه نیز اجرای دقیق قانون تسهیل ازدواج جوانان نقش مهمی را ایفا کند. اما حل این مسئله در سطح کلان و بین‌المللی قدری مشکل می‌نماید و نیاز به عزم جهانی در کنترل بی‌حجابی و طرح گفتگوهای بین‌تمدنی و بازگشت به اصول نهادینه شده در دین دارد. امروزه موضوع بی‌حجابی به مرحله نامطلوبی رسیده است؛ موضوع مافیای جنسی، پورنوگرافی و قاچاق زنان و کودکان از جمله نمونه‌های رهاسازی موضوع حجاب است که به کمک رسانه، ضربات سهمگینی به مسئله حجاب زن زده است. نیز وقوع نبردهای شناختی در دنیا، تأثیر فراوانی بر موضوع فراگیری بی‌حجابی در سطح جوامع دارد که نیازمند صدور اسلام ناب به این سرزمین‌ها است. متأسفانه با همه آسیب‌های متعددی که موضوع بی‌حجابی در دنیا به بار آورده، هنوز روانشناسان غربی آن را در ردیف اختلالات روانی قرار نداده‌اند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

نقش اساسی و شاه‌کلید موفقیت در هر سه سطح از پیشگیری و رهایی از اختلالات محتمل یا پیش‌آمده در بهداشت روانی در خصوص مسائل جنسی، موضوع تحقق حجاب (لباس مطلوب) است؛ به این معنا که در هر سه سطح از پیشگیری اگر حجاب حضور داشته باشد؛ شرایط آسیب‌زا یا وجود ندارند یا محدود می‌شود. در عوض بی‌حجابی دلیل اصلی و عامل اولیه بروز و ظهور و گسترش رفتارهای جنسی منفی منجر به اختلالات روانی و رفتاری است.

برداشت دقیقی که از عبارت «یواری سوءاتکم» (اعراف: ۲۶) در داستان آدم و حوا و نیز عبارت «یواری سوءه اخی» (مائده: ۳۱) در داستان هابیل و قابیل می‌توان گرفت این است همچنان که پوشاندن جسم بی‌جان هابیل به دلائلی نظیر انتشار بیماری‌های متساعد شده از آن بر دیگران واجب بود، پوشاندن جسم زنده انسان نیز که آسیب‌های فرهنگی آن بر روان افراد جامعه ماندگاری دارد نیز واجب است. واژه سوءه در هر جای قرآن آمده بیانگر وقوع نوعی زشتی است که غیرمستقیم موجب اختلال روانی در افراد می‌شود؛ لذا باید هرچه زودتر آن سوءه (زشتی) را پوشاند و الا تبعات آن دامن آدمی را می‌گیرد.

طبق بررسی‌ها واژه لباس با ریشه «سکن» که به معنای آرامش است در یک حوزه معنایی قرار دارد و بیانگر ارتباط تنگاتنگ و تأثیر و تأثر این دو از هم است. عبارت «یواری سوءاتکم و ریشا» (اعراف: ۲۶) به کارکردهای دو جانبه لباس در راستای تأمین بهداشت روانی اشاره دارد؛ کارکرد درونی لباس یعنی پوشاندن نقاط آسیب‌رسان و آسیب‌پذیر جسم؛ دیگری کارکرد بیرونی آن؛ یعنی زینت بخشی به جسم انسان؛ لذا لباس مطلوب یا همان حجاب، امری طرفینی و قراردادی الهی برای تأمین بهداشت روانی و نماد پیشگیری از آسیب‌های روانی در بعد جنسی است.

۶- منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصادر.
- ۳- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۹۹۱). تفسیر غریب القرآن. بیروت: دارالمکتبه‌الهلل.
- ۴- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۹۸). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب‌العلیمه.
- ۵- آزاد، حسین (۱۳۸۹). روان‌شناسی سلامت (بهداشت روانی). تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- ۶- آلن، فرانسیس (۱۳۹۲). مبانی تشخیص روانپزشکی بر اساس DSM-5. ترجمه عبدالرضا منصوری‌راد. تهران: انتشارات کتاب ارجمند.
- ۷- آیت‌اللهی، زهرا؛ سادات حسینی، شیما؛ بانکی‌پورفرد، امیرحسین؛ نامجو، بتول؛ کتابچی، انیسه؛ محمودی، محمدجواد و سیاح، مونس (۱۳۹۶). دانش خانواده و جمعیت. قم و تهران: دفتر نشر معارف.
- ۸- بلاغی، محمدجواد (۱۴۲۰ق). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: مکتبه‌الوجدانی.
- ۹- جنیدی، فائزه (۲۰۱۴). حجاب جان. عرفان اسلامی، ۴۲(۱۱)، ۱۹۵-۲۱۴.
- ۱۰- خامنه‌ای، محمد (۱۴۰۰). درسنامه فلسفه زن بودن. بی‌جا: معاونت سیاسی نهاد معظم رهبری دامت‌برکات در دانشگاه‌ها.
- ۱۱- دهقان، اکبر (۱۳۸۴). هزار و یک نکته از قرآن کریم. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۱۲- دهقانپور، علیرضا؛ و اوشلی، لیلا (۱۳۹۹). حکمت حجاب در اسلام. مطالعات قرآن و حدیث سفینه، ۱۸(۶۹)، ۱۵۴-۱۶۸.

- ۱۳- رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ کلانتری، ابراهیم؛ نصیری، علی؛ بهجت پور، عبدالکریم و کمالی، علی رضا (۱۴۰۰). تفسیر موضوعی قرآن. تهران و قم: دفتر نشر معارف.
- ۱۴- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۸۰). الاتقان فی علوم القرآن. تهران: امیرکبیر.
- ۱۵- شاملو، سعید (۱۳۹۲). بهداشت روانی. تهران: انتشارات رشد.
- ۱۶- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۳ق). الإختصاص. قم: الموتر العالمی لالیفیه الشیخ المفید.
- ۱۷- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- ۱۸- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- ۱۹- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق). مجمع البحرین. بیروت: مکتب نشر الثقافه الاسلامیه.
- ۲۰- طهماسبی پور، نجف (۱۳۹۵). بهداشت روانی و آسیب های کاربردی در مدارس. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- ۲۱- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: نشر اسلام.
- ۲۲- عبدالباقی، محمد فواد (۱۳۷۴). معجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. تهران: انتشارات اسلامی.
- ۲۳- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۵ق). کتاب العین. قم: دارالهجره.
- ۲۴- قرائتی کاشانی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- ۲۵- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷). مفردات نهج البلاغه. تهران: مؤسسه فرهنگ نشر قبله.
- ۲۶- قلنجی، محمد رواس (۱۴۰۸ق). معجم لغه الفقهاء. ترجمه صادق حامد. بیروت: دارالنفاثس للطباعه والنشر والتوزیع.
- ۲۷- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب.
- ۲۸- کشوری، امین (۲۰۱۱). حجاب. پیام زن، ۱۳۹۰ (۲۳۵).
- ۲۹- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- ۳۰- گنجی، مهدی (۱۳۹۵). آسیب شناسی روانی بر اساس DSM-5. تهران: نشر ساوالان.
- ۳۱- لوی، آریل و کسر، تیم (۱۳۸۸). تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب. ترجمه فاطمه سادات رضوی، راحله میر اسلامی و پریسا علمداری. تهران: نشر معارف.
- ۳۲- ماوردی، علی بن محمد (۱۳۴۴). أدب الدنیا والدين. بیروت: داراقرء.
- ۳۳- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷). میزان الحکمه. قم: دارالحدیث.
- ۳۴- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۰۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
- ۳۵- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن کریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۶- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). مساله حجاب. تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۷- منینگر، ویلیام کلر؛ وایتسمن، ایس و مایر، جان (۱۳۷۳). رشد شخصیت و بهداشت روانی. ترجمه عشرت نظیری. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- ۳۸- ویتینگ، آرنو (۱۳۸۶). مقدمه روانشناسی. ترجمه مهدی محی الدین بناب. تهران: انتشارات رشد.
- ۳۹- وید، کرول؛ تاوریس، کرول؛ ایلیس، لورین و زورسیر، دبور (۱۳۹۷). روانشناسی عمومی. ترجمه محمد دهقانی، فرید براتی سده، محسن دهقانی، بهمن نجاریان و داود عرب قهستانی. تهران: انتشارات رشد.

Investigating the relationship and mutual influence of hijab and mental health, relying on the concept of clothing in the Holy Quran

Reza Raufian^{1*}

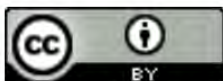
1- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Borujard Branch, Islamic Azad University, Borujard, Iran. (Corresponding Author)

raz1146557@gmail.com

Abstract:

One of the certain principles in human communication is the application of rules that guarantee the mental health of society, and a major part of achieving mental health is observing sexual ethics, especially observing hijab. The importance of the hijab issue is revealed when Satan, in his first encounter with man, tries to make him naked in order to put him in a position of psychological pressure; Therefore, the purpose of the upcoming article, which was carried out with the method of library studies, is to try to realize the theoretical foundations of hijab, which some are trying to remove under the pretext of the slogan of women, life, freedom and with the aim of increasing psychological pressure on the society. Relying on the word "clothes" is because this word can carry the meaning of covering and comfort. In addition to referring to clothing as a symbol of clothing in humans, the Holy Quran has also paid attention to its comforting symbol. In the semantic analysis, clothing is placed in a semantic field with the root "sakana" - which means relaxation; The combination of these two shows their close relationship and influence on each other. Based on this, hijab is not possible in the course of its realization without the accurate presentation of efficient models in mental health - which are referred to as prevention levels; It is also impossible to fully realize mental health in the society without considering the practical role of hijab.

Keyword: Holy Quran, hijab, mental health, concept of clothing, communication and mutual influence



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)